



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل دوم: اخبار و روایات - مصادف با: ۵ شعبان ۱۴۴۶

ادامه اشکال محقق نایینی به محقق خراسانی - بررسی اشکال محقق نایینی

جلسه: ۷۷

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم نسبت به استدلال به اخبار و روایات برای حجیت خبر واحد یک اشکالی مهمی وجود دارد و آن هم اشکال دور است. محقق خراسانی از راه تواتر اجمالی این اشکال را به زعم خودشان بر طرف کردند. نظر محقق خراسانی دیروز بیان شد، ایشان معتقد است چون تواتر اجمالی وجود دارد و ما یقین داریم که یکی از این روایاتی که به نوعی دال بر حجیت بر خبر واحد است از معصوم صادر شده است و احتمال کذب در مورد آن نمی‌دهیم (هرچند خود آن روایت برای ما مشخص نیست) لذا مشکل دور بر طرف می‌شود. منتهی ایشان فرمود ما اخص مضمونا را به عنوان قدر متیقن اخذ می‌کنیم و این کفایت می‌کند برای اثبات حجیت خبر واحد به نحو موجه جزئی.

محقق نایینی یک اشکالی به محقق خراسانی کردند. ایشان فرمودند که اخبار یاد شده که محقق خراسانی نسبت به آنها ادعای تواتر اجمالی کرده است، از دو حال خارج نیست؛ یا قدر جامعی بین آنها وجود دارد یا قدر جامع در کار نیست. اگر قدر جامع متصور باشد این به تواتر معنوی بازگشت می‌کند و اگر قدر جامع وجود نداشته باشد دیگر قطع به صدور یکی از این روایات برای ما حاصل نمی‌شود. زیرا ما هر یک از این روایات را که به تنهایی ملاحظه کنیم در مورد آن احتمال کذب وجود دارد. این محصل فرمایش محقق نایینی بود.

ادامه اشکال محقق نایینی

ایشان در مورد بعضی از این روایات از جمله طائفه اول از آن چهار طائفه که مربوط به اخبار علاجیه است، می‌فرماید: این طائفه نیز یک اطلاقی ندارد که همه اخبار را در بر بگیرد؛ عبارت ایشان این است: «لیس فیها اطلاق یعم جمیع اخبار الاحاد لان اطلاقها مسوق لبیان حکم التعارض و القدر المتیقن دلالتها علی حجیة الخبر موثوق به صدورا او مضمونا»؛ این اخبار نیز اطلاقی ندارند که همه اخبار آحاد را در بر بگیرد زیرا همانطور که از عنوانش پیداست این اخبار برای بیان حکم متعارضین است و راه علاج بین دو خبر متعارض را بیان می‌کند. قدر متیقن این اخبار حجیت خبر موثوق به صدورا و مضمونا است. لذا از آن یک قدر متیقن می‌توان اخذ کرد، اما از سایر طوائف نمی‌توانیم یک قدر متیقنی اخذ کنیم، لذا ایشان به طور کلی تواتر اجمالی را رد می‌کند. این فرمایش محقق نایینی است.

سوال:

استاد: یعنی اطمینان به صدورش از امام پیدا کنیم، یک وقت می‌گوییم حجیت خبر ثقه، یک وقت می‌گوییم حجیت خبر موثق به، ممکن است راوی یک خبر، ثقه نباشد، اما ما به نوعی اطمینان به صدور آن پیدا کنیم. اینها دو مبنا در باب حجیت خبر است، یکی حجیت خبر ثقه، دیگری حجیت خبر موثق الصدور. در مبنای اول تأکید روی وثاقت راوی است، اما طبق مبنای دوم ولو وثاقت راوی هم ثابت نشود اما به طرق دیگری ما وثوق به صدور روایت پیدا کنیم، این حجت است. طبیعتاً دامنه حجیت طبق مبنای دوم وسیعتر است، اخبار بیشتری را ممکن است در بر بگیرد، چون یک خبری ممکن است روایانش ثقه نباشند ولی به قرائنی ما اطمینان به صدور پیدا کنیم این برای ما حجت است.

سوال:

استاد: نه ما بر اساس ادله حجیت خبر واحد که مشغول بررسی آن هستیم می‌گوییم. ما هنوز وارد قلمرو اینها نشدیم، فعلاً اصل حجت را بررسی می‌کنیم. اگر گفتیم خبر واحد ثقه حجت است، مبنای این حجیت چیست؟ آیا افاده ظن است یا تعبد است یا سیره عقلاء؟ اینها فرق می‌کند با هم، طبق بعضی مبانی باید ظن به صدور برای ما پیدا شود، اما طبق بعضی از مبانی اینچنین نیست. مثلاً اگر خاطرتان باشد امام خمینی حجیت خبر ثقه را از باب سیره عقلاء قبول کرده و می‌گویند عقلاء به خبر واحد ثقه اخذ می‌کنند، نه به دلیل اینکه این افاده ظن می‌کند، بلکه به این دلیل که اگر بخواهند بنا را بر قطع و یقین بگذارند زندگیشان مختل می‌شود، از باب تسهیل و اینکه معاش آنها معطل نماند و بتوانند زندگی کنند، بنا را بر این گذاشتند که به خبر ثقه عمل کنند. لذا اگر جایی یک خبر ثقه افاده ظن هم نکند حجت است، این تابع مبنایی است که ما برای حجیت خبر واحد اختیار می‌کنیم.

بررسی اشکال محقق نایینی

قبل از اینکه به این مطلب رسیدگی کنیم مناسب است منظور محقق خراسانی را کمی روشن تر کنیم. ببینیم که محقق خراسانی که فرموده در بین این روایات ما به قدر متیقن اخذ کنیم و اخص المضامین را ملاحظه کنیم کدام روایت اینچنین است؟ خود محقق خراسانی روایتی را بیان نکرده و نگفته که کدام اخص المضامین است.

اینجا محشین و شراح کفایه، برخی از روایات را به عنوان روایتی که اخص المضامین دارد را ذکر کردند از جمله این روایت؛ «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ وَ قُلْتُ مَنْ أَعْمَلُ (وَعَمَّنْ) أَخْذُ وَ قَوْلَ مَنْ أَقْبَلُ» احمد بن اسحاق می‌گوید از امام رضا (ع) سوال کردم که من با چه کسی ارتباط داشته باشم؟ از چه کسی حکم را اخذ کنم و قول چه کسی را بپذیرم؟ «فَقَالَ الْعَمْرِيُّ تُقْتَى فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدَى وَ مَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَ أَطِعْ فَإِنَّهُ الثَّقَةُ الْمَأْمُونُ»

می‌گوید عمری مورد اعتماد من است، آنچه که او از قول من به شما بگوید پس گویا از من گرفته‌اید و اخذ کرده‌اید، آنچه که او بگوید از من است، مثل این است که من گفتم. پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. چرا؟ زیرا او ثقه و مأمون است. «قَالَ وَ سَأَلْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ الْعَمْرِيُّ وَ ابْنُهُ تَقْتَانِ فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِيَانِ وَ مَا قَالَ لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَ أَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ»؛ این دو نفر ثقه و مأمون هستند، هر آنچه که آنها بگویند سخن من است و اخذ کن. حال چرا این اخص المضامین است؟ اخص المضامین، هم از حیث محتوی و هم از حیث سند، به قول آقایان صحیح اعلایی است، چهار طائفه روایت اینجا بیان شده است، در میان اینها یک روایت صحیح اعلایی است، یعنی روایانش همه ثقه و امامی و عادل هستند، از نظر سندی این طور است این روایت، زیرا در آن این افراد وجود دارند، مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى

جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ أَيْنَهَا هُمْ ثَقَّةٌ هَسْتَنْد، هَمَّ عَادِلٌ هَسْتَنْد وَ هَمَّ اِمَامِي هَسْتَنْد. بَا اَيْنِ سَنْد اَيْنِ
در میان همه روایات می‌شود صحیح‌اعلایی. از نظر مضمون و دلالتی نیز اخص است زیرا می‌فرماید «فَاِنَّهُمَا التَّقَاتَانِ الْمَأْمُونَانِ»؛ این
تقتان و مأمونان، این دو هم ثقه هستند و هم مأمون، این مأمون یعنی چه؟ می‌گویند عادل هستند، یعنی هم ثقه هستند و هم عادل،
امامی نیز هستند.

حال اگر یکی از این دو نفر گفت قال الصادق (ع) که در اخبار علاجیه این کار را بکنید، اگر دو خبر متعارض به شما رسید به اوثق
آنها مراجعه کنید یا به عادل، یا به آن مرجحاتی که بیان شده است و معنایش این باشد که همین قدری که یک خبری توسط ثقه نقل
شود این حجت است، حال چه راوی آن امامی باشد و چه نباشد، چه عادل باشد و چه نباشد، این حرف را باید قبول کرد، زیرا قدر
متیقن از این چهار طائفه این روایت است که هم از نظر سند صحیح‌اعلایی است و هم از نظر مضمون اخص و قدر متیقن است.
حال اگر محقق خراسانی می‌گوید این خبر به عنوان قدر متیقن و قدر جامع همه این اخبار است، دلالت بر حجیت خبر واحد می‌کند،
این تواتر اجمالی است چون در بین این روایات آن قدر متیقن را اخذ می‌کنیم و می‌گوییم یقین داریم که امام آن را فرموده و همین
کافی است برای حل مشکل دور.

محقق نایینی می‌گوید. اگر قدر جامع باشد که يرجع الی التواتر المعنوی، اگر قدر جامع نباشد دیگر چیزی به اسم تواتر اجمالی معنا
ندارد، زیرا ما احتمال کذب را در مورد همه این روایات می‌دهیم.
با توجه به این مطلب می‌گوییم:

ملاحظه کردید که تصویر قدر جامع ممکن است. محقق خراسانی یک چنین قدر جامعی تصویر کرده است، درست است که روایت
را نگفته، ولی ما می‌توانیم روایتی را پیدا کنیم که قدر جامع این روایات باشد. لذا محقق خوبی و دیگران نسبت به وجود قدر جامع
اشکالی ندارند و می‌گویند اینجا این قدر متیقن وجود دارد. البته ایشان می‌گویند چه بسا منظور محقق خراسانی آن روایتی است که
در آن سوال شده، آیا یونس عبدالرحمن ثقه است یا خیر؟ «أَفِيؤْتِسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ثَقَّةً، أَخَذَ عَنْهُ مَا أَحْتَاغُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي؟
قَالَ: نَعَمْ» این دیگر کلمه مأمون در آن نیست. به هر حال قدر جامع در اینجا قابل تصویر است، ولی محقق نایینی می‌گویند این
بازگشت به تواتر معنوی می‌کند، تواتر معنوی معنایش معلوم است، تواتر معنوی یعنی الفاظ متواتر نیست، مضمون متواتر است. لکن
اگر قدر جامع و قدر متیقن وجود داشته باشد، آیا این بازگشت به تواتر معنوی می‌کند؟ اگر گفتیم در میان این پنجاه روایت یقین به
صدور یک روایت داریم، اما نمی‌دانیم کدام روایت است، آیا اینجا تواتر معنوی تحقق پیدا می‌کند؟ اگر سراغ قدر متیقن رفتیم، قدر
متیقن یعنی آنچه که در میان همه این روایات مشترکا ذکر شده است، لکن در بقیه روایات یک اضافه‌ای دارد. اگر اینطور بگوییم
یعنی این معنا و مضمون متواتر است، این می‌شود تواتر معنوی. ولی محقق خراسانی این را نمی‌گوید؛ برای اینکه معلوم شود تفاوت
بین تواتر اجمالی و تواتر معنوی، یک مثال می‌زنیم، ما اگر علم اجمالی داشته باشیم که در روز جمعه یا نماز ظهر واجب است یا
نماز جمعه، اینجا یک معلوم بالاجمال داریم و آن هم تکلیف ظهر جمعه است، احد العنوانین، الظهر او الجمعة، این معلوم بالاجمال
است، اما در عین حال یک تردید و شکی داریم که آیا ظهر جمعه نماز جمعه واجب است؟ نمی‌دانیم، آیا نماز ظهر واجب است؟
نمی‌دانیم. هر کدام از اینها به تنهایی محل ابهام است، محل تردید است، این را نمی‌دانیم، آن را نمی‌دانیم، ولی با این حال یک معلوم
بالاجمال داریم، احدهما، یا ظهر یا جمعه، این می‌شود معلوم بالاجمال.

محقق نایینی می‌گوید اگر ما سراغ قدر متیقن برویم، این قدر متیقن خودش می‌شود تواتر معنوی؛ زیرا در همه این روایات این وجود دارد، اگر قدر جامع نباشد تواتر، تواتر اجمالی محقق نمی‌شود، لذا ایشان می‌گویند ما تواتر اجمالی نداریم.

حال آیا در جایی که قدر متیقن و قدر جامع نباشد، آیا می‌تواند تواتر اجمالی باشد یا خیر؟ بله می‌توانیم جایی را تصور کنیم که قدر متیقن نباشد ولی تواتر اجمالی باشد، مثلاً اگر فرض کنیم ما پنجاه روایت داریم و نیمی از این روایات گفته نماز جمعه واجب است، نیمی گفته است نماز جمعه حرام است؛ طبیعتاً اگر بخواهیم اینجا بگوییم اجمالاً یک چیز متواتر است این است که یک تکلیفی ظهر جمعه واجب است، هم معلوم است هم مجمل زیرا ما نمی‌دانیم تکلیف ما در روز جمعه نماز ظهر است یا نماز جمعه؛ طبیعتاً هر کدام از این دسته از روایات از دایره تواتر خارج است. اما اگر فرض کنیم که ما علم اجمالی پیدا کردیم که یقیناً یکی از این پنجاه روایت از امام معصوم صادر شده است که معنای تواتر اجمالی همین است، این فایده دارد، این اثر دارد که اثرش ثبوت تکلیف روز جمعه است ولو اینکه علم به خود آن تکلیف نداریم، ولو اینکه ما نمی‌دانیم آن روایتی که یقیناً از امام صادر شده، آن روایتی است که دال بر وجوب است یا دال بر حرمت.

پس با عدم وجود قدر متیقن نیز تواتر اجمالی می‌تواند مفید باشد اینکه ایشان فرموده در جایی که قدر متیقن نباشد، قدر جامع وجود نداشته باشد، اصلاً تواتر اجمالی محقق نمی‌شود یا فایده‌ای ندارد، ملاحظه کردید که می‌تواند قدر جامعی بین روایات نباشد ولی در عین حال تواتر اجمالی تحقق پیدا کند، پس نسبت به جایی که قدر جامع نباشد، این حرف قابل قبول نیست، اما اگر قدر جامع باشد، محقق نایینی فرمود این بازگشت به تواتر معنوی دارد اینجا ما یک ملاحظه‌ای داریم که آن را بیان می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»